

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
 • مدیر مسئول: محمد حسن روزی طلب
 • سردبیر: حسام الدین برومند
 • معاون فنی: محمد ملاحی اکبری
 • دبیران: مصطفی عبوضی (سیاسی)
 • مهدی مهرپور (اقتصادی)
 • مصطفی وثوق کیا (فرهنگی)

• آزاده سهرابی (اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
 • لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیززی (گزارش)
 • زهرا کشوری (زیست‌بوم) • سعید زاهدیان (ورزشی)
 • مهدی کلهرزاد (اجرایی)
 • حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
 • محسن جانی پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴؛ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
 • پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۳۱۳؛ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
 • صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵۰۰؛ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
 • چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
 • سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
 • پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
 • انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



آچه هستی، با آنچه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنی، تعریف می‌شود.

هنرطرف‌رهایی از دغدغه‌ها
 مارک منسون



سخن‌روز

امام حسین (ع):

شعبه ما کسی است که دلش از هرگونه خیانت و نیرنگ و مکرری پاک است.

بهارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۶، ح ۱۰

نگاره

روز اهدای خون



نیما شاه‌میری / طراح و کارتون‌نویست

فضای مجازی

تبریک تولد مسعود کیمیایی، همکاری مهدویان با محسن چاوشی، دیدار شاه‌آبادی با علاقه‌مندان «دروازه مردگان»... بخش‌هایی برگزیده از تازه‌ترین فعالیت اهالی فرهنگ و هنر است که برش‌هایی از آن را ادامه می‌خوانید.



بهزاد عبدی به مناسبت تولد ۸۲ سالگی مسعود کیمیایی تصویری از خودش و این فیلمساز را به همراه موسیقی فیلم «قاتل اهلی» منتشر کرده است. علاوه بر عبدی، دیگر اهالی سینما هم در قالب پست یا استوری تولد کیمیایی را تبریک گفته‌اند.



همکاری مهدویان با محسن چاوشی

محمدحسین مهدویان با بازنشر خبر تیتراژخوانی سرریالش توسط محسن چاوشی این خبر را به صورت رسمی تأیید کرده است. طبق این خبر بخشی از دستمزد محسن چاوشی برای تیتراژ «زخم کاری ۲» صرف جمع‌آوری ارزاق برای خیریه «جمعیت حیدر» خواهد شد.



دعوت به بازدید از بهشت کرمان

پیروز ارجمند، تصاویری از باغ شاهزاده ماهان کرمان را به اشتراک گذاشته و با عنوان «بهشتی در دل کویر» مخاطبانش را به بازدید از این منطقه دعوت کرده است. طبق اطلاعاتی که او بازنشر کرده باغ شاهزاده ماهان، یکی از باغ‌های تاریخی ایران به‌شمار می‌رود. این باغ در حدود ۲ کیلومتری شهر ماهان و در نزدیکی شهر کرمان و در دامنه کوه‌های تیکران جای گرفته و مربوط به پایان دوره قاجاریه است. بلندای آن از سطح دریای آزاد ۲۰۲۰ متر است. این اثر در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۴۵ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و در سال ۲۰۱۱ در نشست سی و پنجم میراث جهانی یونسکو به همراه هشت باغ ایرانی دیگر در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت جهانی رسید.



زمین بر باغبان خون گریه می‌کرد

حسام‌الدین سراج همزمان با ایام شهادت امام حسین (ع) قطعه «گریه خون» از آلبوم «وداع» را با شعری از علیرضا قزوه به اشتراک گذاشته است. او این برش ابتدایی از شعر را هم منتشر کرده است: «زمین بر باغبان خون گریه می‌کرد/ زمان هم بی‌امان خون گریه می‌کرد/ چو دیدم اسب او بی‌صاحب آمد/ تمام آسمان خون گریه می‌کرد.»



دیدار با علاقه‌مندان «دروازه مردگان»

حمیدرضا شاه‌آبادی از دیدار با مخاطبان گروه سنی کودک و نوجوان با سه‌گانه «دروازه مردگان» نوشته است. حمیدرضا شاه‌آبادی در مجموعه سه‌جلدی «دروازه مردگان» ما را به جهان مردگان می‌برد، به فضایی وهم‌انگیز و ترسناک قالبیاف‌خانه‌ای در تهران زمان قاجار، به فضایی پر از جهل و خرافات که میرزا حسن رشدیه و دیگر انسان‌های پیشرو قدم در راه تغییرش گذاشتند. کتاب دروازه مردگان برنده جوایز متعدد از جمله اثر برگزیده کتاب سال، کتاب برگزیده شورای کتاب کودک، کلاغ سفید، نشان نقره لاک‌پشت برنده و... شده است.

نقل قول



بهرام حصیری
 بازیگر

شعر همواره به ملودی ارجحیت دارد

در توضیح مؤلفه‌هایی که به تولید یک اثر فاخر در حوزه خوانندگی می‌انجامد، معتمد بهترین ملودی را باید فدای شعر کرد؛ شعر همیشه ارجحیت داشته و دارد. شعر است که به مردم پیام و سوژه می‌دهد و مخاطبانش می‌دانند که آنچه خواننده می‌خواند چه هست و اینها کارهای شناسنامه‌دار است. مانند شناسنامه آدم‌ها که تا آخر عمر با آنها هست. در پاسخ به این پرسش که چند درصد خوانندگی و آواز، استعداد ذاتی است تأکید دارم که صدا و خوانندگی چیزی حدود ۶۰ و ۷۰ درصد آرنی و ژنتیکی است و باقی باید در نتیجه آموزش باشد. علاقه‌مندان پس از آن که فهمیدند استعداد و پتانسیل دارند باید کتاب‌های شعر را باز کنند و بخوانند و روی آن آهنگی که می‌خواهند تلاش کنند تا به یک ملودی برسند؛ نه اینکه لزوماً آهنگسازی کنند؛ هر چند وقتی روی این روال حرکت می‌کنند ممکن است آهنگساز هم بشوند.

بخش‌هایی از گفته‌های این خواننده قدیمی با ایرنا

کلمه

مکاشفه زیبایی‌های

زندگی

یک متن خوب برای اجرا سریع دارید؟ متنی که برای اجراهای کم‌هزینه با امکانات محدود هم مناسب باشد. سؤال‌هایی از این دست را معمولاً از زبان دانشجویان رشته تئاتر یا حتی علاقه‌مندان به هنرهای نمایشی می‌شنویم و پاسخ‌ها هم معمولاً ارجاع به نمایشنامه‌های منتشر شده در قالب کتاب یا جزوه‌های دانشجویی است که اغلب اهالی تئاتر با آنها آشنا هستند. اما گاهی مواقع کتاب‌های تازه و مناسب برای اجراهای به اصطلاح کم‌هزینه با امکانات محدود هم منتشر می‌شود که مناسب این نوع گروه‌های نمایشی جوان است.

یکی از این کتاب‌ها، «رودخانه بدون بازگشت» (انتشارات اسپید قلم) نمایشنامه‌ای در یک پرده به قلم امیرحسین عامریون است که تنها صحنه نمایشی آن در عین سادگی، ظرفیت‌های نمایشی متعددی دارد که در طول نمایش، جایی برای هنرنمایی بازیگران این نمایش تک‌پرده‌ای می‌شود. صحنه، پل قوسی شکلی است که با شاخ و برگ درختان چشم‌انداز زیبایی پدید آورده، صدای آب رودخانه‌ای که از زیر پل می‌گذرد همواره شنیده می‌شود، گوشه پل پرپرزد زنده‌پوش رو به جمعیت در حالت ششسته چرت می‌زند، دور و اطراف پل با نور لامپ‌ها، زیبایی خاصی دارد. متن این نمایشنامه نگاه ظریف و تأمل‌برانگیزی به فلسفه وجودی زندگی دارد. پل قوسی شکل و صدای رودخانه‌ای که از زیر آن می‌گذرد، هر بیننده یا شنونده‌ای را به سوی خود جلب می‌کند؛ البته رویکرد نویسنده برای جذب آدم‌ها، پاسخ به یک سؤال پیچیده در خصوص مواجهه افراد مختلف با نامالیامات زندگی است که هر انسانی روش و انتخاب خاص خود را در این زمینه دارد. در این متن نمایشی، پل و زیبایی‌های پیرامون آن، نمادی از کنج‌کاوی انسان به مفهوم فلسفی «پایان» دارد. اینکه پایان یک زندگی چگونه رقم می‌خورد و اصولاً آیا انسان نقشی در چگونگی پایان زندگی خود دارد یا نه؟ در این اثر، افرادی که فکر می‌کنند به آخر خط زندگی رسیده‌اند، به سمت پل و رودخانه زیر آن می‌روند اما وقتی صدای سحرانگیز آب‌های خروشان جاری در رودخانه را می‌شنوند و محصور زیبایی طبیعت و زندگی می‌شوند، به سمت زندگی برمی‌گردند تا با نگاه تازه‌ای که نوعی مکاشفه هم در آن جریان است به زیست خود معنای متفاوتی ببخشند. در تفسیر نادانین از این نمایش تک‌پرده‌ای، کسانی که به کنار پل می‌آیند و می‌خواهند با پریدن به داخل رودخانه سحرآمیزی که از زیر پل می‌گذرد، با آب‌های خروشان و امواج جاری در رودخانه به سمت انتهای آن بروند و سر از اسرار رودخانه مرعوز دریابوند، همان افرادی هستند که دوست دارند از اسرار زندگی سردرپیابوند. اما واقعیت امر آن است که عنوان کتاب روی آن تأکید می‌کند؛ «رودخانه بدون بازگشت». البته در این پرسه کنج‌کاوی درباره مفهوم پایان، مکاشفه زیبایی‌های زندگی دستاوردی است که ارزش‌های زیستن را دوچندان می‌کند.

یادداشت

بازخوانی پرونده فیلم عاشورایی «رستاخیز» و یک راهکار



جواد انورین
 منتقد و مدرس سینما و تلویزیون

در فضای فرهنگ و هنر به‌رغم همت و کوشش هنرمندان و مدیران متعهد و استقبال مخاطبان، همچنان تولید آثار هنری، فرهنگی، تاریخی، دینی و مذهبی پرنرگ و در حد و اندازه و شأن مردم نیست. در واقع اغلب فیلم‌ها و سریال‌هایی که در این حوزه تولید شده‌اند، در حاشیه به مسائل، رویدادها و شخصیت‌های دینی و مذهبی بویژه عاشورایی پرداخته‌اند و به ندرت اثری کامل و شایسته، روایتگر آموزه‌ها و مجاهدات انسان‌های مذهبی بوده است. نمونه‌های فاخر و مقبول هنری و محتوایی این آثار «روز واقعه»، «محمد (ص)»، «امام علی (ع)» و «مختارنامه» هستند. حماسه عاشورا از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین وقایع جهان بشریت و تاریخ اسلام است، با این همه به دلایل سختی و سنگینی هزینه تولید و همچنین جایگاه بنیادین عاشورا و عاشوراییان در باورهای دینی شیعیان و مسلمانان، آثار پژوهشگرانه و متعهدانه در مورد عاشورای انسان‌ساز ساخته نشده است. احمدرضا درویش، کارگردان متعهد و باسواد سینما بعد از سال‌ها کار، تحقیق و پیش‌تولید، عزم خود را جزم کرد تا با بازی گروهی از هنرمندان توانا و باورمند، در حد بضاعت خود تصویرساز و روایتگر حماسه درخشان عاشورا با فیلم «رستاخیز» در سینما باشد؛ فیلمی ارزشمند که از منظر ساختار هنری و محتوا در صدر برترین آثار سینمایی تاریخی و مذهبی سینمای ایران جای گرفت. این فیلم را درویش نوشته، کارگردانی کرده و تلاش نموده است با رعایت و احترام به دیدگاه‌های مختلف مذهبی و تاریخ اسلام، اثرش پاسخگوی نیاز و سلیقه مخاطب باشد. او از همان زمان تولید، اکران جهانی «رستاخیز» را در برنامه نمایش فیلم خود مدنظر داشت. از همین رو «رستاخیز» افزون بر زیرنویس و زبان فارسی، به عربی، فرانسوی و ایتالیایی هم ترجمه شده است. «رستاخیز» بیست‌وچهارم تیرماه سال ۹۴ با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به اکران عمومی درآمد، اما ساعاتی بعد در پی انتقاد برخی به محتوای آن از جمله به تصویر کشیدن چهره مبارک حضرت ابوالفضل‌العباس (ع)، از پرده سینماها پایین کشیده شد.

پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ادامه اکران آن پوشش نورانی سینمای حضرت ابوالفضل (ع) بود، اما درویش این پیشنهاد را نپذیرفت. ۹ سال بعد از این وقایع با رایتی‌های مختلف «رستاخیز» از توقیف خارج شد و مجوز اکران آنلاین گرفت. گرچه گروه‌هایی از مردم رستاخیز را دیده‌اند، ولی ایران و جهان آن را ندیده و حیف است دیده نشود. با توجه به اینکه دولت قبل بابت خسارت چندین میلیارد تومان از بیت‌المال به سازندگان این فیلم پرداخت کرد و دیگر این اثر ملی متعلق به بخش خصوصی نیست، شایسته است متولیان سینمای کشور در راستای صیانت از بیت‌المال و آثار سینمایی، شرایط را برای نمایش آن در ایران و جهان فراهم کنند و احمدرضا درویش متعهد و متدین، با احترام به نظریات علما و مردم، با بازنگری و انجام اصلاحات لازم «رستاخیز» عاشورایی را در جهان به نمایش و درخشش درآورد.

عکس نوشت



دسته عزاداری مسجد زینبیه اعظم زنجان به رسم هر سال با حضور گسترده مردم پایتخت شور و شعور حسینی، روز یازدهم محرم برگزار شد.

عکس: ایسنا

نکته

زنان در کربلا

ام‌وهب؛ اولین بانوی شهید



علی طالب‌لو
 طلبه و پژوهشگر

در حادثه کربلا زنانی بودند که در کنار همسران‌شان، وسط میدان رزم، مبارزه کردند و به شهادت رسیدند. ام‌وهب یکی از این زنان بود.

او از حاضران در عرصه کربلا و از معدود زنان غیروابسته به بنی‌هاشم بود که به همراه همسر خویش - عبدالله بن عمر کلی - به کربلا آمد و سرانجام در کنار همسر خود به شهادت رسید.

ام‌وهب

لباس همسر خود را گرفته و می‌گفت: «تو را رها نمی‌کنم تا همراه تو کشته شوم».

امام حسین (ع) به سوی ام وهب رفت و او را مورد خطاب قرار داد و فرمود:

«از خاندان پیامبران جزای خیر نصیب‌تان گردد به خیمه برگرد.»

ام‌وهب لباس همسر خود را گرفته و می‌گفت: «تو را رها نمی‌کنم تا همراه تو کشته شوم».

امام حسین (ع) به سوی ام وهب رفت و او را مورد خطاب قرار داد و فرمود:

«از خاندان پیامبران جزای خیر نصیب‌تان گردد به خیمه برگرد.»

ام‌وهب لباس همسر خود را گرفته و می‌گفت: «تو را رها نمی‌کنم تا همراه تو کشته شوم».

امام حسین (ع) به سوی ام وهب رفت و او را مورد خطاب قرار داد و فرمود:

«از خاندان پیامبران جزای خیر نصیب‌تان گردد به خیمه برگرد.»

پس از مدتی عبدالله بن عمر به شهادت رسید. پس از شهادت او، ام‌وهب بر بالینش حاضر شد و در کنار جسم بی‌جان نشست. او خاک از رخسار عبدالله پاک کرد و گفت: «بهشت بر تو گوارا باد! از خداوندی که بهشت را روزی تو گردانید می‌خواهم که مرا نیز همشیرین تو قرار دهد».

در این هنگام شمر بن ذی‌الجوشن به غلام خود رستم دستور داد با عمود بر فرق آن زن بکوبد؛ رستم نیز چنین کرد و عمود خود را بر سر آن زن فرود آورد. در اثر این ضربه ام‌وهب به آرزوی خود رسید و اولین بانوی شهید کربلا لقب گرفت.